

تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی

محمدجعفر جوادی ارجمند*

آرش بیدالله‌خانی**

چکیده

ایران و پاکستان به عنوان دو بازیگر مهم در جنوب غربی آسیا و داشتن مرزهای مشترک پهناور، به میزان چشمگیری بر تحولات بین‌المللی تأثیرگذار بوده‌اند. ضرورت‌های سیاسی و ژئواستراتژیکی بین ایران و پاکستان با وجود اختلاف در منافع و چشم‌اندازهای سیاسی درباره مسائل منطقه‌ای و جهانی، باعث ایجاد رابطه نزدیک بین دو کشور شده است. ماهیت و محتوای روابط دوجانبه ایران و پاکستان درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مختلف از جمله مسائل امنیتی و مرزی، متغیر افغانستان، هندوستان، امریکا، منافع فرقه‌ای شیعه و سنی و گروه‌های بنیادگرا و سلفی، مسئله هسته‌ای، نیروهای ناتو و غیره می‌تواند بر آینده روند صلح و

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (mjavad@ut.ac.ir).
** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: 1391/9/11

تاریخ دریافت: 1390/11/10

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نهم، پاییز 1392، صص 183-147.

ثبات در آسیا تأثیرگذار باشد. در مقاله حاضر تلاش می‌کنیم تا چشم‌اندازهای مختلف روابط ایران و پاکستان را در محیطی ژئواستراتژیک امنیتی بررسی کنیم. بر این اساس، نوشتار حاضر استدلال می‌کند که مهم‌ترین متغیر در روابط ایران و پاکستان بعد از انقلاب اسلامی، به طور عام و پس از 11 سپتامبر به طور خاص، عامل امنیت استراتژیک در محیطی ژئواستراتژیک در منطقه است. در واقع، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو طرف و مسائل امنیتی بین آنها، روابط فی‌مابین دو کشور و نگاه استراتژیک سیاست‌گذاران دو طرف به یکدیگر در زمینه‌های مختلف نیز از مجرای محیط ژئواستراتژیک امنیتی و افزایش توان امنیتی خود در منطقه بوده است.

واژه‌های کلیدی: شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، محیط ژئواستراتژیک، روابط راهبردی، امنیت استراتژیک.

مقدمه

بخشی از متون روابط بین الملل امروزی با تأثیرپذیری از انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر کاهش نقش عامل جغرافیا در عرصه روابط بین الملل تأکید می‌کنند. با وجود این، عامل جغرافیا و به ویژه هم‌جواری، همچنان به عنوان عنصری مهم در روابط کشورها نقش آفرینی می‌کند و بدون در نظر گرفتن روابط کشورها با همسایگان برآورد امنیت و منافع ملی آنها امری غیرممکن است. شناخت میزان توانایی و آسیب‌پذیری کشورها، تابع وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هر کشور است؛ اما به عنوان اصلی کلی در سراسر جهان، همسایگان نقشی منحصر به فرد و ویژه در سیاست‌های راهبردی هر کشور دارد. جمهوری اسلامی ایران با داشتن 15 همسایه ارضی و دریایی، حوزه بزرگی از همسایگان متفاوت با توانایی‌های مختلف در کنار خود دارد و روابط با همسایگان، خواسته یا ناخواسته، دوستانه یا خصمانه، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر امنیت و تمامیت ارضی هر کشوری دارد (قدسی، 1384: 29). از مهم‌ترین همسایگان ایران کشور پاکستان است. روابط ایران با پاکستان، به عنوان کشور همسایه، با توجه به قرابت جغرافیایی و داشتن نقاط مشترک فراوان می‌تواند در فضای ویژه و مجزا تحلیل شود. این کشور با داشتن مرزهای مشترک و طولانی¹ و روابط راهبردی در زمینه‌های گوناگون، از کشورهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. روابط ایران و پاکستان سابقه‌ای طولانی دارد. این روابط برخاسته از دیدگاه‌ها و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است. میراث مشترکی که طیف وسیعی از مسائل فرهنگی، زبانی و مذهبی را دربرمی‌گیرد و تاریخچه‌ای طولانی دارد (واعظی، 1390: 17). با شکل‌گیری پاکستان، ایران

1. طول خطوط مرزی ایران و پاکستان حدود 987 کیلومتر است.

اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت. همچنین، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، پاکستان نیز اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. با توجه به محیط ژئواستراتژیکی که طرفان در آن قرار دارند، امنیت ویژه، بستر مهمی برای دو طرف در روابطشان است. هر گاه از زاویه دید پاکستان به ایران نگاه شود، هند از متغیرهای اساسی در حوزه امنیتی روابط با ایران است. با توجه به متغیر هند، پاکستان مثل گذشته (با توجه به اینکه سیاست‌گذاران پاکستانی در تحلیلی نهایی ایران را شریک استراتژیک خود می‌داند) همان‌گونه که در دوره پهلوی، شاه ایران همواره، جانب پاکستان را می‌گرفت، در دوره پس از انقلاب اسلامی، این بار از منظری ایدئولوژیک، جمهوری اسلامی به حمایت از کشور همسایه و مسلمان خود، یعنی پاکستان در مناقشات با هند پردازد (Pant, 2009: 44) درارتباط با ایران، با توجه به روابط دیرینه با پاکستان و میزان خوب روابط، مسائل امنیتی از جمله مسائل مرزی و امنیتی، حوزه مهمی از روابط را شکل می‌دهد. کمک پاکستان به هسته‌ای شدن ایران و همچنین، امنیتی شدن مرزهای دو طرف با توجه به خطر تجزیه‌طلبی و گروه‌های بنیادگرا و سلفی،¹ بخشی از مسائل امنیتی مهم را در روابط دو طرف در طول سال‌های اخیر تشکیل داده است. با توجه به این مقدمه، پژوهش حاضر از دیدی ژئواستراتژیک به تحلیل روابط ایران و پاکستان در حوزه‌های مهم امنیتی و راهبردی می‌پردازد. بر این اساس، پرسش اصلی ما در مقاله حاضر این است که مهم‌ترین عاملی که بعد از انقلاب اسلامی باعث افزایش روابط ایران و پاکستان (باتوجه‌اینکه هر دو طرف در محیطی ژئوپلیتیک و استراتژیک قرار دارند) شده است چه عاملی بوده است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه اساسی مقاله حاضر این است که مهم‌ترین عامل در روابط ایران و پاکستان متغیر امنیت استراتژیک در محیطی ژئواستراتژیک است. بر این اساس، مقاله حاضر چهارچوب مفهومی ژئواستراتژیک و متغیرهای آن را برای تحلیل روابط ایران و پاکستان به عنوان ابزار استفاده می‌کند. با توجه به چهارچوب

1. این نوع تهدیدها از جمله مسائل تجزیه‌طلبی و همچنین گروه‌های بنیادگرا و تروریستی از گذشته درباره پاکستان وجود داشته است؛ اما تهدیدات امنیتی درباره ایران از جمله خطر تجزیه‌طلبی و همچنین گروه‌های بنیادگرا و تروریستی که در مرزهای شرقی فعالیت می‌کنند بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمده‌اند.

مفهومی، مقاله حاضر ضمن گذری کوتاه به تاریخچه روابط ایران و پاکستان، بر اساس متغیرهای ژئواستراتژیک، روابط ایران و پاکستان را در حوزه‌های مختلف بررسی می‌کند و بر این امر تأکید می‌کند که مهم‌ترین عامل در حوزه ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان برای هر دو طرف متغیر امنیت در حوزه‌های ژئواستراتژیک است.

1. ادبیات موضوع

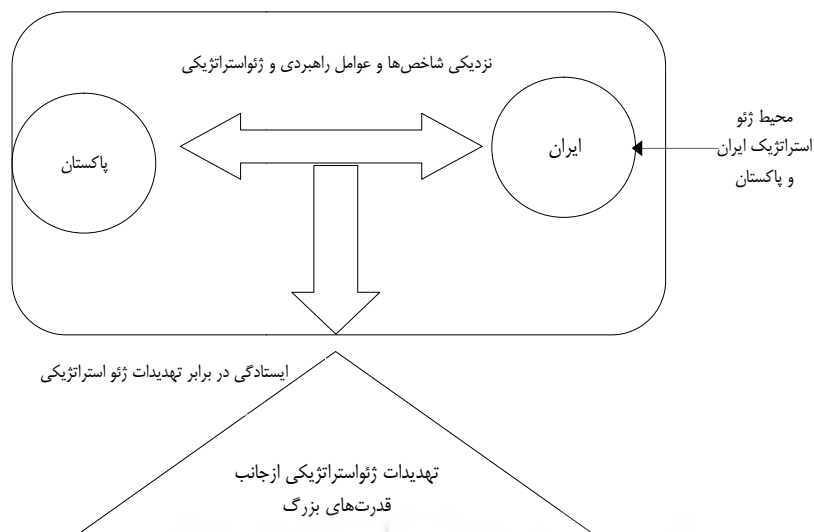
ایران و پاکستان از جمله کشورهایی هستند که در حوزه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مهم دنیا قرار گرفته‌اند. کشور ایران به دلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه با مخاطرات، چالش‌ها و تحولات عمده‌ای در محیط امنیتی خود روبه‌رو است. خاورمیانه از مناطق استثنایی جهان به شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی توافق‌شده و پایداری در آن ایجاد نشده است. با وجود این، ایران به عنوان قدرتی منطقه‌ای دارای جایگاه مهمی در ایجاد امنیت در خاورمیانه است. ایران در تعامل سازنده با دیگر کشورهای منطقه و همچنین کشورهای همسایه می‌تواند نقش محوری در برقراری ثبات و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی بازتولید شده است. این مشکلات اشکال متفاوتی را از نامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی و تروریسم را در برمی‌گیرد (واعظی، 1386: 34-35). در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی (که حوزه آن به مرزهای ایران هم سرایت کرده است). دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین، مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباط دارند. بر این اساس و با توجه به تهدیدات پیرامونی گفته شده، رویکرد ایران در محیط پیرامونی خود بر اساس الگوی امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار دارد. در این رویکرد، مشارکت جدی تمام کشورهای منطقه در سازماندهی ساختار امنیتی منطقه‌ای و همکاری مؤثر در این خصوص، در اولیت قرار می‌گیرد. از سویی، حضور مداوم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیت منطقه‌ای

عامل عمده‌ای در جهت افزایش تعارضات و تنش‌ها در سطح منطقه تلقی می‌شود (رستمی 1389: 13). با توجه به رویکرد ایران در امنیت منطقه‌ای که مبتنی بر مشارکت و همکاری است، پاکستان از کشورهای است که می‌تواند با همکاری ایران، محیط پیرامونی امنی را در منطقه و همچنین مرزهای دو طرف ایجاد کند. کشور پاکستان از کشورهای مهم جنوب آسیا به‌شمار می‌رود. کشور پاکستان در منطقه‌ای واقع شده است که به دلیل خصوصیات جغرافیایی، چگونگی نحوه تعامل و مواضع آن، تأثیرات مستقیمی بر شکل‌گیری موازنه قوا در امنیت منطقه دارد. کشور پاکستان همواره، به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک (همسایگی با هند و افغانستان و کانون بحران‌زای مسائل تروریسم و بنیادگرایی مذهبی و...) در معرض توجه قدرت‌های رقیب برای کسب نفوذ بیشتر در آن بوده است. هرچند میزان این توجه در برهه‌های مختلف از زمان و چگونگی ترسیم صحنه رقابت از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متفاوت بوده است. فروپاشی اتحاد شوروی و حضور یک‌جانبه گرایانه ایالات متحده آمریکا، موجب تغییر علایق ژئوپلیتیک کشورهای منطقه، از جمله پاکستان شده است (عسکری ریزوی، 2004: 9). بر این اساس، پاکستان نیز بر اساس امنیت استراتژیک خود و محیطی که در آن قرار دارد، اتحادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را تغییر داده است. با توجه به روابط تاریخی پاکستان و ایران در حوزه‌های مختلف، بعد از انقلاب اسلامی به طور عام و 11 سپتامبر به طور خاص و به‌میان‌آمدن بحث تروریسم، نقش پاکستان در تعامل با ایران برای حل بحران‌های امنیتی دو کشور در حوزه‌های مرزی و ژئواستراتژیکی و همچنین حوزه‌های بین‌المللی بسیار مهم شده است. به‌طوری‌که بدون همکاری این دو کشور، امنیت منطقه جنوب آسیا و خاورمیانه تأمین نخواهد شد و تضادها و تعارضات امنیتی نیز باقی خواهد ماند. با توجه به حوزه‌های روابط دو کشور و محیط ژئواستراتژیکی که دو طرف در آن به تعامل روی می‌آورند و با توجه به اینکه مقاله حاضر چهارچوب مفهومی ژئواستراتژیک را به عنوان ابزار انتخاب کرده، در بخش بعدی به توضیح مفهوم ژئواستراتژیک و متغیرهای آن خواهیم پرداخت.

2. چهارچوب مفهومی ژئواستراتژیک

استراتژی بیش از آنکه واژه‌ای سیاسی باشد، اصطلاحی نظامی به نظر می‌رسد. سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحولات سریع در عرصه علوم و تکنولوژی و ارتقای روزافزون میزان آگاهی ملت‌ها از سویی و دگرگونی در نقش و کارکردهای عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار داشت، به تحول مفهومی واژه ژئواستراتژی منجر شد. توجه به اصول و مبنای جغرافیای نظامی در بحث ژئواستراتژیک در اوایل قرن نوزدهم و بیستم، به اوج رسید. واژه ژئواستراتژیک نیز همراه با مسائل جغرافیای نظامی نیز تا جنگ جهانی دوم در مطالعات منطقه‌ای استفاده می‌شد. پس از خاتمه جنگ، از لحاظ نظامی دو تحول عمده به وقوع پیوست: «یکی بیداری افکار عمومی و تلاش برای رسیدن به استقلال و دیگری پیشرفت و تکنولوژی» پیشرفت تکنولوژی و مسائل روز باعث شد، تأثیر عوامل محیطی و طبیعی، در ژئواستراتژی کاهش یابد و عوامل دیگر اهمیت بیشتری پیدا کنند (مینایی، 1386: 23). درحقیقت، ژئواستراتژی «علم کشف روابطی است که بین استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد.» واژه ژئواستراتژی، عملاً در نیمه دوم قرن بیستم، در استراتژی‌های نظامی جای گرفت و امروزه تمامی تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در ارتباط مستقیم با ملاحظات ژئواستراتژیک قرار دارد (عزتی، 1379: 8). عناصر ژئوپلیتیک شالوده ژئواستراتژیک را تشکیل می‌دهند؛ زیرا عناصر طبیعی تأثیر عمیقی در کاربرد ابزار و امکانات دارد. موضوع ژئواستراتژیک بررسی عناصر جغرافیایی مبتنی بر مسائل و عناصر استراتژیک و نائل آمدن به نتایج استراتژیک است. در واقع، مطالعه اهمیت محیط، به طور اساسی در ارتباط با درک مسئله، شامل مسائل سیاسی، رفاه اقتصادی یا دیدگاهی ژئواستراتژیک خوانده می‌شود که هر سرزمین از مسائل بین‌المللی دارد. به عبارت دیگر بسیاری از تحلیلگران در روابط بین دو کشور از دیدگاهی ژئواستراتژیک بین موقعیت، وسعت سرزمینی و قدرت ملی به تعمیم‌گرایی پرداخته‌اند (کارابولت، 2005: 29). در گذشته دانش واژه ژئواستراتژیک ارزش و اعتبار فضا را از لحاظ جغرافیایی و سخت‌افزاری بررسی می‌کرد و روابط دو کشور در این چهارچوب به عوامل فضایی و جغرافیایی بیش از

دیگر عوامل بها می‌داد. هرچه به گذشته مفهوم استراتژی برگردیم و به مطالعه در این مقوله پردازیم، متوجه این نکته خواهیم شد که بیشتر صاحب‌نظران این حوزه، صرف‌نظر از نوع و نحوه قرائت و تعبیری که از این مفهوم داشته‌اند، تنها از دیدگاه «سخت‌افزاری» یا به عبارتی ساده‌تر از بُعد نظامی و سپاهی‌گری به مقوله ژئواستراتژی نگریسته‌اند. امروزه با رویکردی همه‌جانبه، دیگر مؤلفه‌های قدرت و عوامل اتصال‌کننده بین دو کشور وارد حوزه ژئواستراتژی شده‌اند. به تعبیر کالینز: «چهارچوب استراتژی ملی، استراتژی کلی سیاسی (که به مسائل سیاست بین‌المللی و داخلی ارتباط پیدا می‌کند)، استراتژی اقتصادی (که بازتاب خارجی و داخلی دارد) و بالاخره استراتژی نظامی، همراه با دیگر استراتژی‌های از این قبیل در ژئواستراتژی جای می‌گیرند. در تحلیل نهایی، عوامل استراتژیک و ژئوپلیتیک، تلفیقی از یکدیگر هستند.» (مینایی، 1386: 49). مفهوم نرم استراتژی امروزه به شیوه جدید نیز گسترش پیدا کرده و حوزه‌های ارتباطی، تکنولوژیک، فضای مجازی و همچنین محیط داخلی و سیاست بین‌الملل را نیز پوشش می‌دهد. ایولاکوست و ژیلین معتقدند: واژه ژئواستراتژی و استفاده‌ای که از آن در برخی امور مرتبط با روابط قدرت می‌شود، بر اهمیت اشکال قدرت از لحاظ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هم تأکید دارد. دلیل این امر آن است که فلان تنگه، فلان منبع نفت، فلان شهر بزرگ، فلان سرزمین قومی و حتی مکان‌های نمادین منافع خاصی را در نظر قدرت‌های رقیب جلوه می‌دهد که همین منافع و گاه یکی از آن‌ها، ابزار مهمی برای تضمین کنترل ممتد و تملک آن سرزمین یا برای مقابله با نفوذ رقیب در آن مکان محسوب می‌شوند (ایولاکوست و ژیلین، 1378: 161: 1378). برای نمونه، ژئواستراتژیک مناطقی که پاکستان و ایران در آن واقع شده‌اند، حاشیه استراتژیک را ایجاد کرده که دو طرف با توجه به اینکه در مناطق ژئوپلیتیکی دنیا واقع شده‌اند و همچنین با توجه به نگاه استراتژیک قدرت‌های بزرگ و منافع آنها در این منطقه، باعث می‌شود که دو کشور از لحاظ راهبردی استراتژی‌ها و شاخص‌های ژئواستراتژیک خود را برای همکاری نزدیک کنند تا بتوانند ضمن ایستادن در برابر تهدیدات مشترک ژئواستراتژیک به منافع حداکثری خود برسند. شکل زیر این فرایند را نشان می‌دهد:



در گذشته، دانش واژه ژئواستراتژیک با توجه به مفهوم نظامی و سخت‌افزاری، دارای عناصر بود که عبارت بودند از اهداف، راه‌ها و ابزارها. اما با برداشت نرم‌افزاری از ژئواستراتژی، عناصر این واژه نیز تا حدودی تغییر کردند. در بخش بعدی عناصر اصلی ژئواستراتژیک را توضیح می‌دهیم.

3. عناصر ژئواستراتژیک

در این بخش با توجه به موضوع اصلی، تحقیق به مهم‌ترین عوامل ژئواستراتژیک را بیان می‌کنیم که می‌تواند پیونددهنده دو کشور باشد و باعث همکاری و نزدیکی استراتژی‌های دو طرف شود.

1. **سرزمین و فرهنگ جامعه:** سرزمین و جغرافیا عامل حیاتی و در واقع مهم‌ترین عامل در بحث ژئواستراتژیک هستند. عامل سرزمینی و پیوند جغرافیایی و سرزمینی در واقع از مهم‌ترین عوامل در پیوند ژئواستراتژیکی بین دو کشور هستند. پیدایش کلماتی از قبیل «میهن‌پرستی»، «ملت»، «پیوند دو کشور و فرهنگ»، «جوامع» و دیگر واژه‌هایی از این دست مؤید آن است که این کلمات در نتیجه وجود روابط و پیوندهای مادی و معنوی ایجاد شده و عمال جغرافیا و هم‌جواری سرزمینی در ژئواستراتژیک بین دو کشور، از عوامل مهم پیونددهنده بوده است (مینایی، 1386: 42). در مجموع می‌توان بیان کرد که محیط جغرافیایی و هم‌جواری سرزمینی بر آمده از آن می‌تواند در بحث ژئواستراتژیک به عنوان عامل اصلی پیونددهنده دو کشور و

نزدیک کردن استراتژی‌های آنها به هم باشد. این عامل، باعث می‌شود که دولت‌ها با بی‌بردن به منافع مشترک، رفتار سیاسی و تصمیمات داخلی و سیاست خارجی خود را هماهنگ با آن اجرا کنند. جامعه و فرهنگ آن بعد از جغرافیا و عامل سرزمینی از مهم‌ترین عوامل پیونددهنده در بحث ژئواستراتژیک است. نزدیکی فرهنگی و اعتقادی دو جامعه در کنار عوامل دیگر، از مهم‌ترین زمینه‌های پیونددهنده دو کشور است و باعث نزدیک شدن استراتژی‌های دو طرف خواهد شد (کارابولت، 2005: 24)؛

2. سیاست: رابطه سیاست و ژئواستراتژی در گذشته به مفاهیم نظامی اشاره داشت. امروزه، افق سیاست در بحث ژئواستراتژی کاربردی عملی پیدا کرده است و جهت‌دهنده عوامل دیگر ژئواستراتژیک است. سیاست در واقع به تفکرات استراتژیک و تلفیق آن با دانش سیاسی اشاره دارد (مینایی، 1386: 45). در بحث روابط دو کشور هم‌جوار سرزمینی، سیاست، تلفیقی از همان تفکرات استراتژیکی همراه با دانش سیاسی است، تا از این طریق، سیاست به منافع استراتژیک بلندمدت در رابطه با طرف مقابل دست پیدا کند؛

3. امنیت: مقوله امنیت پدیده‌ای است که ذاتاً ماحصل به‌اجرا آمدن مجموعه‌ای از استراتژی‌هایی است که از پیش، در هر حوزه طراحی شده است. هریک از این استراتژی‌ها نقش مهمی در برقراری امنیت در آن جامعه یا نظام سیاسی دارد که اصولاً در قالب استراتژی کلان (استراتژی ملی) هماهنگ شده‌اند و عملیاتی می‌شوند. در واقع هر دولتی از تهدیدات و اهداف خاص خود، استراتژی‌های خاصی را طراحی و تدوین می‌کند (مینایی، 1386: 50). در حوزه ژئواستراتژیکی منافع و تهدیدات مشترک برای دو کشور باعث ایجاد روابط متقابل و مستحکم می‌شود. استراتژی‌های مشخصی را درباره مناطق مشترک به‌اجرا دریاورند. از طرفی، تهدیدات امنیتی و رقابت‌های هر طرف نیز باعث می‌شود، در بعضی از حوزه‌های مشترک امنیتی، استراتژی‌های جداگانه‌ای را به‌اجرا گذارند؛

4. اقتصاد: ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دو کشور هم‌جوار به طور طبیعی باعث می‌شود که آنها به سمت حوزه‌های ژئواکونومیک حرکت کنند. اقتصاد به عنوان یکی از عناصر اصلی حوزه‌های ژئواستراتژیک در روابط بین دو کشور عامل

تأثیرگذار مهمی است که از این طریق باعث می‌شود دو کشور استراتژی‌هایشان را به هم نزدیک‌تر کنند (حسین‌پور، 1385: 26-28).

با توجه به چهار عامل بالا که عناصر ژئواستراتژی در عصر جدید است، در بخش بعدی بر اساس عوامل گفته‌شده، روابط ایران و پاکستان را با تأکید بر حوزه امنیتی بررسی می‌کنیم. از آنجاکه فرضیه پژوهش حاضر عامل اصلی روابط پاکستان و ایران را در محیطی ژئواستراتژیک عامل امنیتی می‌داند، تأکید اصلی مقاله بر مسائل امنیتی دو طرف است. بر این اساس عوامل و تهدیدات مشترک بر علیه دو کشور و مسائل امنیتی فی‌مابین باعث شده است که عامل امنیت در روابط پاکستان و ایران بعد از انقلاب اسلامی، به طور عام و 11 سپتامبر به طور خاص به مهم‌ترین عامل تبدیل شود و دو طرف با توجه به این عامل در حوزه‌های دیگر هم باهم ارتباط داشته باشند.

3-1. مرور تاریخی روابط ایران و پاکستان: ژئواستراتژیک سرزمینی و فرهنگی

پیشینه روابط سیاسی ایران و پاکستان به آغاز شکل‌گیری پاکستان و استقلال آن از هند برمی‌گردد. با استقلال پاکستان در سال 1947، ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک دو کشور از می 1948 آغاز شد و در می 1949 لیاقت علی‌خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان به ایران سفر کرد. محمدرضا پهلوی شاه ایران نیز اولین رئیس کشوری بود که در مارس 1950، به پاکستان سفر کرد و پس از آن دو کشور در فوریه 1950، با یکدیگر پیمان مودت بستند (آلام، 2004: 526-527). کشور پاکستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک طولانی با کشورهای بزرگ و نیز به دلیل نداشتن عمق استراتژیک در مرزهای شرقی و شمالی و قرارگرفتن در معرض تهدید دو کشور همسایه هند و افغانستان مشتاق بود با ایران رابطه دوستانه‌ای برقرار کند. ضمن آنکه پاکستان ایران را به عنوان راه میانبری برای برقراری ارتباط با جهان اسلام می‌دانست (واعظی، 1390: 20). تا قبل از سال 1947 که پاکستان از هند جدا شود، بخشی از هند بود. بنابراین، روابط ایران با این منطقه در چهارچوب ملاحظات روابط ایران و هند بوده است. در این دوره، تعاملات گسترده‌ای میان دو حوزه تمدنی «پارس» و حوزه تمدنی

«ایندوس» وجود داشته و در اغلب موارد، حوزه تمدنی ایندوس تحت تأثیر امپراطوری پارس بوده است. بدیهی است این تأثیرگذاری‌ها در قلمرو جغرافیایی که به ایران نزدیک‌تر بوده، نمود بیشتری داشته است. از این منظر، آنچه امروزه پاکستان نامیده می‌شود، بیش از دیگر مناطق در شبه‌قاره هند تحت تأثیر فرهنگ و سیاست ایران بوده است (شفیعی، 1387). در سال 1950، با پیمان دوستی که دو طرف باهم امضا کردند، موجب شد که سایه هر گونه تهدید و دشمنی از روابط دو کشور پاک شود. با وجود اینکه روابط دوستانه پاکستان با حکومت پهلوی تا روزهای پایانی حکومت شاه ادامه یافت، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از تأسیس جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. به طوری که حتی قبل از ملاقات ژنرال ضیاالحق از ایران در سپتامبر 1978، وزیر کابینه احمد خورشید، آشکارا از انقلاب ایران حمایت کرد. انقلاب اسلامی ایران باعث شد، ژنرال ضیاالحق آن زمان تحت تأثیر این انقلاب به اسلامی کردن امور در پاکستان سرعت ببخشد؛ همچنین انقلاب ایران باعث سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد. عرصه افغانستان و جهاد علیه شوروی، عامل دیگری بود که این دو کشور در آن به همکاری پرداختند. با آغاز جنگ ایران و عراق، پاکستان به منظور حفظ روابط دوستانه با ایران هیچ‌گاه به طور آشکار نه از عراق حمایت کرد و نه به دلیل روابط گسترده نظامی‌اش با امریکا تهاجم عراق به ایران را محکوم کرد (موشاهید، 1993: 216). مسائل مشترک بین ایران و پاکستان و داشتن نقاط مشترک مرزی طولانی و اشتراکات فراوان مردمانی که در دو طرف مرزهای این کشورها زندگی می‌کنند باعث سطح عمیقی از روابط بین دو کشور شده است. با وجود اینکه عامل ژئوپلیتیک، معمولاً از منابع مهم تنش بین کشورهای همسایه است، در روابط ایران و پاکستان این عامل از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که مانع بروز تنش و اختلاف بین دو کشور شده است. همان‌طور که می‌دانیم پاکستان از هنگام استقلال تاکنون بارها از سوی همسایه شرقی‌اش مورد تهدید واقع شده است. همچنین، این کشور در مرز مشترک خود با افغانستان دچار تنش است و از این‌رو مرزهای شمالی و شرقی این کشور نقاط اتکای مناسبی برای آن به‌شمار نمی‌آیند. در مقابل ایران نیز به دلیل اختلافات مرزی با عراق و در اغلب موارد، از سوی مرزهای غربی احساس

تهدید کرده و حتی در معرض جنگ قرار گرفته است. در همان زمان، مرزهای شرقی ایران موقعیت نسبتاً خوب و آرامی داشته است. این تفاوت حوزه‌های تهدید امنیت دو کشور باعث شده است تهران و اسلام‌آباد در مقاطع گوناگون به طور ضمنی و آشکار با یکدیگر احساس همدردی کنند و مرزهای امن استراتژیک خود را برهم منطبق بدانند. دیگر عامل جغرافیایی مؤثر در روابط دو کشور وجود گسست فضایی در مرزها و در فاصله سرزمین‌های دو کشور است. وجود بیابان‌های گسترده و خالی از جمعیت، تراکم جمعیت پایین در مناطق مرزی، گسست قطب‌های مهم سیاسی و اقتصادی دو کشور در منطقه مرزی و کمبود تعاملات در این مرزها باعث کاهش پیوند بخش اعظم جمعیت دو کشور و در نتیجه، مانع برخورد دو ملت شده است. عدم بروز وجود محورهای ژئوپلیتیک و مرزهای طبیعی مورد تعارض بین دو کشور و در مقابل هم‌پوشانی ژئوپلیتیکی دو کشور به لحاظ تداخل منابع انسانی و قومی و اقتصادی نیز از موانع بروز تنش بین دو کشور بوده است (کریمی پور، 1379: 161) در حوزه فرهنگی تمامی کشورهای شبه‌قاره هند و به‌ویژه پاکستان ایران را گهواره تمدنی و فرهنگی خود می‌دانند. در تمامی کشورهای منطقه، لغات فارسی در گفتارهای آنها موج می‌زند. در پاکستان اگرچه آثار ادبیات فارسی در جای‌جای آن مشهور است؛ اما در استان‌های غربی این کشور نمود بیشتری دارد. بسیاری از واژگان زبان اردو در پاکستان فارسی است. سرود ملی پاکستان توسط اقبال لاهوری به زبان فارسی نوشته شده است. جوامعی از فارس زبان‌ها در کراچی زندگی می‌کنند. در مجموع زبان فارسی، اردو، پنجابی، سندھی و... همگی زیرمجموعه خانواده هندو اروپایی و هندو ایرانی است (سحر، 1390). این مهم در کنار دین مبین اسلام به عنوان عاملی هویت‌بخش در روابط ایران و پاکستان را تحت تأثیر قرار داده است.

3-2. روابط پاکستان و ایران: ژئواستراتژیک سیاسی امنیتی

در این بخش، با توجه به پرسش و فرضیه اصلی مقاله به تبیین و آزمون این فرضیه می‌پردازیم. نیاز امنیتی دو کشور به یکدیگر از مهم‌ترین عوامل برقراری روابط استراتژیک بین ایران و پاکستان است. این امر به‌ویژه درباره پاکستان که در معرض

تهدید مداوم هند قرار دارد، اهمیت دوچندان می‌یابد. پاکستان همواره به دلیل مرزهای مشترک طولانی با افغانستان به دنبال دستیابی به عمق استراتژیک در این کشور بوده است. سیاست خارجی پاکستان ارتباط تنگاتنگی با ملاحظات امنیت ملی آن دارد. روابط خارجی آن به گونه‌ای تنظیم شده است که نهایت امکان را برای تداوم موجودیت این کشور فراهم آورد (پائول، 2005: 54). در بحث ژئواستراتژیک پاکستان، ایران را به عنوان همسایه امن و شریک راهبردی خود به دلیل هم‌جواری جغرافیایی انتخاب کرده است. همچنین، جلب حمایت و پشتیبانی نظامی و اقتصادی آمریکا از هنگام استقلال تاکنون در جهت پاسخ‌به نگرانی‌های امنیتی و مقابله با تهدیدات هند بوده است. از این رو است که در الگوی سیاست خارجی پاکستان حفظ روابط نزدیک با آمریکا به عنوان سیاستی راهبردی دنبال شده است. همچنین، پاکستان پیوسته و به طور سنتی سیاست حفظ روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای اسلامی خاورمیانه و چین را پی گرفته است (بورک و زایرینگ، 1377: 491 تا 490). خصومت دیرینه میان هند و پاکستان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی پاکستان است. منبع اصلی تنش و اختلاف در روابط دو کشور منطقه کشمیر است که به صورت بحران ارضی و مرزی حل نشده باقی مانده و موجب بروز سه درگیری نسبتاً گسترده نظامی در 1949، 1965 و 1971 میان هند و پاکستان شد (پائول، 2005: 18-15). از طرفی، بعد از حادثه 11 سپتامبر، کشور پاکستان به پناهگاه اختصاصی نیروهای سلفی و بنیادگرا تبدیل شد. بعد از این حادثه، پاکستان به دلیل ضعف دولت مرکزی و کنترل ارتش بر کشور و همکاری ارتش با گروه‌های تندرو روابط خود با آمریکا و کشورهای منطقه را برای مبارزه با تروریسم گسترش داد (فرزین‌نیا، 1382: 693). جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی به طور عام و 11 سپتامبر به طور خاص به روابط با پاکستان از چشم‌انداز امنیت ژئواستراتژیک نگاه می‌اندازد. در تلاطم مسائل جنگ ایران و عراق و تضادهای ایرانیان و اعراب، پاکستان بهترین منبع نزدیکی روابط برای ایران به دلیل مسائل فرهنگی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بود. 11 سپتامبر و افزایش تروریسم و خشونت در افغانستان و سپس پاکستان، ایران را ترغیب کرد تا برای درامان‌ماندن از تندروی و سلفی‌گری و تروریسم همکاری‌های خود را با پاکستان

گسترش دهد. وضع جدیدی که پس از سقوط شاه که مهم‌ترین حامی پاکستان بود و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران به وجود آمد، تهدیدی علیه منافع امریکا در منطقه و کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس تلقی می‌شد (شفیعی، 1387). خلاء قدرتی که در نظام امنیتی منطقه خلیج فارس پدید آمد و تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم کشورهای منطقه از جمله پاکستان، بیم امریکا و حکومت‌های منطقه را افزایش می‌داد. مسائل جدید هم پاکستان را برای دفاع از خود که بزرگ‌ترین حامی خود شاه را از دست داده بود، به تلاش وا می‌داشت و هم کشورهای ثروتمند عربی کرانه‌های خلیج فارس را به عنوان بهترین و مطمئن‌ترین حامی به پاکستان نزدیک می‌کرد و بدین ترتیب، پاکستان فعالانه وارد صحنه سیاست منطقه‌ای شد. در پی کودتای مارکسیستی در افغانستان در 6 دی 1358 و اشغال نظامی آن توسط نیروهای شوروی، اهمیت پاکستان نزد امریکا به سرعت افزایش یافت. در واقع پاکستان هم به سبب امنیت خلیج فارس و هم به دلیل نقش تعیین‌کننده‌اش در مسئله افغانستان در مسیر اهداف استراتژیک امریکا قرار داشت. این موقعیت جدید موجب جلب کمک‌های گسترده نظامی و مالی امریکا و کشورهای عربی ثروتمند خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی به این کشور شد (قندیل، 153:1375). پیوند پاکستان با امریکا که دشمن درجه یک ایران محسوب می‌شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیوسته عاملی تعیین‌کننده در مناسبات سیاسی دو کشور بوده است. از این بابت، ایران به پاکستان به عنوان عامل موازنه‌ای نگاه می‌کند تا از این طریق بتواند به امریکا هم فشار بیاورد. همچنین، در سال‌های اخیر مرزهای دو کشور نیز امنیتی شده است. حمایت ضمنی پاکستان از گروه‌های افراطی در سال‌های اخیر و زمزمه‌های پناه‌دادن به گروه‌هایی که در مرزهای شرقی ایران دست به عملیات تروریستی می‌زنند، از جمله نگرانی‌های ایران است که باعث شده است (شفیعی و قلیچ‌خان، 10:1389) عامل امنیت استراتژیک در مرزهای دو طرف عامل مهمی باشد و طرفان قراردادهای زیادی را در این مورد با هم امضا کنند. مسئله بلوچستان نیز از نگرانی‌های مشترک دو طرف است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شاه ایران با فرستادن سلاح و هلی‌کوپترهای جنگی به سرکوب شورشیان بلوچ به وسیله ارتش پاکستان کمک شایان توجهی کرد. بعد از انقلاب، با توجه به

تحركات ضدانقلاب و قدرت‌های بزرگ در نقاط کانونی بحران‌زای دو کشور، از جمله منطقه بلوچستان، ایران و پاکستان را به این نتیجه رسانده که سندهای امنیتی مشترکی را در بحث مسائل مرزی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تدوین کنند. نگاه دو طرف در بیشتر موارد از زاویه امنیت ژئواستراتژیک بوده است و این خاصیت ژئواستراتژیک به دلیل عامل هم‌جواری جغرافیایی و سرزمینی و سپس مسائل و دیدگاه‌های استراتژیکی دو طرف است. در زیر به مهم‌ترین مسائل سیاسی امنیتی دو طرف اشاره می‌کنیم که همکاری‌ها و رقابت‌های آنها نیز در این زمینه جریان پیدا می‌کند.

3-3. مسائل و کانون‌های امنیتی سیاسی در روابط پاکستان و ایران

3-3-1. مسئله افغانستان

در روند تکوین روابط میان ایران و پاکستان، کشور افغانستان به عنوان متغیر مهم امنیتی حضور دارد. در این میان، پرننگی نقش افغانستان به دلیل مشترکات فراوان، فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان است. گرایش نسبی فرهنگی برخی اقوام افغانستان (بیشتر متعلق به قوم تاجیک، هزاره و قزلباش) به ایران و گرایش برخی دیگر (بیشتر بلوچ‌ها و پشتون‌ها) به پاکستان است. همین موضوع سبب شده است دو کشور همسایه در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل‌اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان حوزه رقابت و نفوذ بیشتر این دو کشور باشد (تمنا، 1390: 106). همان‌طور که گفته شد، افغانستان عمق استراتژیک پاکستان است و در صورتی که جولانگاه اسلام‌آباد باشد، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که می‌تواند به ایجاد توازن نسبی قدرت پاکستان در مقابل هند در جنوب آسیا منجر شود. از این رو هیچ کشور دیگری، از جمله ایران نباید بتواند حوزه‌های نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد. ایران نیز به دنبال افزایش نفوذ خود بر گروه‌های مختلف افغان از جمله شیعیان هزاره است. به این دلیل که در طول جنگ با شوروی کمک زیادی به این گروه‌ها کرد. در مقابل، پاکستان همراه با ایالات متحده و عربستان سعودی از طالبان حمایت می‌کردند. با استقرار دولت طالبان در افغانستان، روابط ایران و پاکستان روبه سردی گرایید (پنت، 2009: 46-47). تنش در روابط دو

کشور ایران و پاکستان در سال 1998، وقتی به اوج رسید که طالبان تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی در شهر مزارشریف را به قتل رساندند. ایران نیز با تمرکز قوای نظامی در امتداد مرزهای خود با افغانستان به آن عکس‌العمل نشان داد. اگرچه در اواخر این دوره، با افول موقعیت طالبان و تحریم پاکستان از سوی آمریکا و چین به دلیل آزمایش هسته‌ای سال 1998 و استقبال ایران از این آزمایش، زمینه بهبود نسبی در روابط دو کشور فراهم شد. پس از حادثه 11 سپتامبر 2001 و اعلام آمریکا مبنی بر جنگ با تروریسم ائتلاف‌های جدید استراتژیکی در سطح جهانی شکل گرفت. این ائتلاف‌های جهانی سبب شد جریان‌های جدیدی در معادلات استراتژیک منطقه جنوب آسیا شکل بگیرد که نتیجه آن ضروری کردن برقراری روابط بهتر بین دو کشور ایران و پاکستان بود؛ اما مهم‌تر از آن تغییر سیاست پاکستان نسبت به طالبان و همراهی آن با آمریکا برای حمله به افغانستان بود که راه را برای بهبود روابط ایران و پاکستان هموار کرد. کناررفتن طالبان از حکومت افغانستان روابط دو کشور را تاحدودی بهبود بخشید و باعث شد هر دو طرف برای هماهنگ کردن منافع استراتژیک و اقتصادی‌شان در افغانستان تلاش کنند (واعظی، 1390: 26). همچنین، پاکستان سعی کرده است از طریق افغانستان نقش خود را در مناسبات آسیای مرکزی ارتقا دهد. انگیزه پاکستان افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بوده، درحالی‌که انگیزه اصلی ایران از روابط با آسیای مرکزی، برای اطمینان از امنیت خود و شکست انزوا بوده است (آلام، 2004: 534-532). از دیگر موارد اختلافی پاکستان با ایران در افغانستان، پشتیبانی پاکستان از ادامه حضور نیروهای آمریکا در افغانستان است؛ درحالی‌که ایران حضور آمریکا در افغانستان را برای ادامه بی‌ثباتی در منطقه می‌داند و همیشه به این امر اعتراض کرده است (پانث، 2009: 47-48). همچنین، مسئله خط دیورند در مناسبات افغانستان و پاکستان از جایگاه مهمی برخوردار است. آمریکا نیز عامل مهمی در ارتباط و همکاری بین ایران و پاکستان در افغانستان است. افغانستان عامل پیچیده‌ای در روابط بین ایران، پاکستان و آمریکا است و بعید است که سه کشور مدنظر در این مورد، با یکدیگر همسو شوند. به طور پیش‌فرض، جایگاه ایران در افغانستان به آمریکا نزدیک‌تر است تا پاکستان. با وجود اینکه روابط فی‌مابین روبه سردی گرائیده بود؛ اما منافع مشترک

بسیاری همچنان وجود دارد، از جمله تمایل دو طرف به مقابله با رادیکالیسم سنی و برقراری نوعی نظم که مانع از جریان انتقال مواد مخدر، اسلحه و پناهندگان به خارج از مرزها می‌شود (علی‌خان و احمد، 2003: 32). تأثیر واقعی نفوذ ایران در غرب افغانستان به واسطه سرمایه‌گذاری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همچنین تا حد بسیاری مثبت بوده است؛ به طوری که توانسته خشونت را محدود ساخته و به نیروهای امنیتی افغان در کنترل عبور و مرور کمک کنند. در مقابل، امریکا و پاکستان نیز به شکل افراطی تفسیرهای متفاوتی از ساختار منطقه‌ای پس از جنگ افغانستان دارند و همچنین شک و تردید فراوانی در میان مقامات و تحلیلگران امریکایی در خصوص پشتیبانی مخفیانه از نیروهای شورشی طالبان وجود دارد. پاکستان و رقیب ایدئولوژیک ایران (عربستان سعودی) سیاست واحدی را در قبال افغانستان برای محدود کردن نفوذ ایران اجرا می‌کنند. سیاست‌های ایران و هند (رقیب پاکستان) و روسیه در افغانستان یکسان است و حتی نزدیکی هند به اسرائیل و امریکا نیز نتوانسته است میان این کشور در قبال افغانستان شکاف زیادی ایجاد کند. وجه اشتراک دیگر ایران و پاکستان در افغانستان، همکاری با چین است (تمنا: 1390، 108-107) اخیراً نیز در پی کشته شدن 24 سرباز پاکستانی توسط هواپیماهای ناتو، پاکستان اعلام کرده است که در کنفرانس بن دوم برای تعیین سرنوشت درباره مسائل آینده افغانستان شرکت نمی‌کند و این اظهار نظر نگرانی‌های افغانستان و امریکا را افزایش داده است و آنها می‌دانند در صورت عدم شرکت پاکستان که به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه داخلی افغانستان است، این کشور با چالش‌های بزرگ‌تری روبه‌رو خواهد شد (www.bbc.co.uk, 30 November 2011). همان‌طور که ملاحظه می‌شود مسئله افغانستان با وجود اینکه به رقابت ایران و پاکستان منجر شده است، در آینده می‌تواند با توجه به نقشی که دو طرف در روند صلح افغانستان بر عهده می‌گیرند، باعث نزدیکی دیدگاه‌های استراتژیکی و ژئواستراتژیکی شان در افغانستان بشود.

2-3-3. رادیکالیسم و مسئله بلوچستان:

عکس‌العمل‌های غیراصولی کشورهای منطقه نسبت به انقلاب اسلامی ایران سرآغاز شروع فصلی نوین در رادیکالیسم و بنیادگرایی به حساب می‌آید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران باعث شد تا کشورهای عرب منطقه به دلیل سوءبرداشت‌های ناشی از نفوذ عقیدتی تشیع، سرمایه‌گذاری زیادی بر تبلیغ مسائل مذهبی کنند. در این میان، با توجه به اینکه بیشتر جمعیت کشور پاکستان سنی‌مذهب بودند و همچنین، عامل فقر و جمعیت زیاد، باعث شد تا یکی از کشورهای که اعراب و همچنین قدرت‌های بزرگ برای مقابله با نفوذ ایران در آنجا سرمایه‌گذاری کنند، پاکستان باشد. ظهور نیروهای ضدشیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث به دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به وجود آمد. واکنش دنیای عرب به رهبری عربستان سعودی به چالش انقلاب اسلامی ایران، ائتلاف و تلاش برای ترویج اسلام سیاسی سنی با رویکرد وهابی و محافظه‌کارانه در منطقه بود. پاکستان از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت این دو کشور بود (شفیعی و قلیچ‌خان، 1389:3). درحالی‌که ریاض به حمایت از رژیم ضیاءالحق و جریان‌های بنیادگرایی اسلامی به‌ویژه گروه‌های تندرویی مثل اهل حدیث مبادرت می‌ورزید، ایران نیز به مدد توان ایدئولوژیک و انقلابی خود و ظرفیت اقلیت شیعه در پاکستان به حمایت از گروه‌های شیعه اقدام کرد. نتیجه چنین رقابتی، تشدید اختلافات فرقه‌ای در پاکستان بود. حمایت مالی ریاض به‌طور وسیعی، به دلیل تمایل این کشور در مهار انقلاب اسلامی و تلقی رادیکالیسم ایرانی در منطقه بود. در کنار این موارد، ایران نیز به عنوان نمادی مذهبی شیعی تأثیر عمیقی بر شیعیان پاکستان به جای نهاد و به‌شکل‌گیری نسل جدیدی از رهبران سیاسی شیعه هوادار ایران کمک کرد. حمایت مالی و معنوی تهران از شیعیان پاکستان به همراه ارائه بورس‌ها و فرصت‌های تحصیلی به نفوذ ایران در پاکستان کمک کرد. در هر صورت، انقلاب اسلامی ایران، در تشویق و تحریک شیعه برای ایفای نقش گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی در پاکستان مؤثر بود و پذیرش چنین موضوعی برای گروه‌های بنیادگرا و فرقه‌گرای سنی چندان آسان نبود (خسروی، 1390:165-164). افزون بر این، ایران به عنوان تنها دولت اسلام‌گرای شیعی در جهان به لحاظ مذهبی و ایدئولوژیک، خود را نسبت به وضعیت شیعیان

منطقه متعهد می‌داند و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت آنها بی‌تفاوت باشد. در کل متغیر تشیع و نگاه ایدئولوژیک ایران به مذهب تشیع در کشورهای مختلف، از جمله پاکستان به عنوان دومین کشور با جمعیت شیعه جهان، باعث شد که پاکستان و همراه با آن کشورهای عربی، همین نگاه را نسبت به اهل سنت ایران پیدا کنند. فرقه‌گرایی در روابط ایران و پاکستان بعد از انقلاب اسلامی و همراه با نگاه ایدئولوژیک ایران به مذهب شروع به رشد کرد. قبل از انقلاب اسلامی فرقه‌گرایی و مسئله شیعه و سنی در روابط دو طرف به هیچ عنوان نقش تعیین‌کننده‌ای نداشت (شفیعی، 1387). مسئله فرقه‌گرایی و نگاه جمهوری اسلامی به تشیع، نیروهای افراط‌گرا را در پاکستان تقویت کرد. در پی این مسئله، کشورهای عربی و پاکستان نیز به تحریک اقلیت سنی ایران در مرزهای شرقی و غربی پرداختند. همین عامل در چند سال اخیر باعث شده است که تهران نسبت به مسائل فرقه‌گرایی بسیار حساس شود. از آنجاکه در استان‌های مختلف مرزی ایران جمعیت درخور توجهی از اهل سنت زندگی می‌کنند و حدود 10 درصد جامعه ایران را تشکیل می‌هند و از لحاظ قومی و فرهنگی نیز تاحدودی متفاوت هستند، حساسیت ایران به این مسئله بیشتر شد. نفوذ بر اهل سنت ایران توسط عربستان و پاکستان در سال‌های اخیر گسترش یافته است. به طوری که دانشگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی عربستان سالانه، تعداد درخور توجهی بورسیه در اختیار دانشجویان اهل سنت ایران می‌گذارند. همین قضیه درباره پاکستان نیز صدق می‌کند. پاکستان نیز به دلیل هم‌جواری با استان سیستان و بلوچستان ایران و پیوندهای فرهنگی و ریشه‌های بلوچ‌های دو کشور، با تقویت گروه‌های مذهبی اهل سنت ایران به رشد گروه‌های افراط‌گرا در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود باعث شده است تا این موضوع، به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود. بسیاری از ساکنان جنوب خاوری کشور و جنوب استان خراسان اهل سنت هستند. مهم‌ترین شهر اهل سنت در ایران، زاهدان است که حوزه علمیه مکی این شهر نزد اهل سنت کشور از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در این مرکز، افزون بر طلبه‌های بلوچ، فارس، کرد و ترکمن ایرانی، افغان‌ها و پاکستانی‌های مهاجر نیز مشغول فراگیری علوم مذهبی هستند. نقش مولوی‌ها بعد از انقلاب در مسائل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی

مناطق سنی‌نشین مانند تشیع، اهمیتی ویژه یافت. بیشتر این مولوی‌ها در پاکستان درس خوانده‌اند و تحت تأثیر مکتب دیوبندی هستند (کاویانی، 201: 1389). آنها به طور ناخودآگاه نسبت به پاکستان و مردم آن کشور نگاهی هویتی دارند و از دیدی برادرانه به آنها نگاه می‌کنند (حتی مولوی‌های فارس زبان) این تأثیرپذیری ایرانیان سنی از پاکستانی‌ها در چند سال اخیر، باعث رشد افراط‌گرایی در ایران شده است تا جایی که در سال‌های اخیر گروه جندالله (مهم‌ترین گروه افراط‌گرای شرق ایران) با تأثیر از مدارس مذهبی پاکستان و از آنجاکه برای مدتی افراد این گروه از جمله سردرسته آنها عبدالملک ریگی در کراچی درس خوانده بود، در خاک ایران دست به عملیات تروریستی می‌زدند. اعضای این گروه با ورود به خاک ایران عملیات تروریستی انجام می‌دهند و پس از قتل و جنایت در داخل ایران به خاک پاکستان متواری و مخفی می‌شدند (ترحمی، 1388: 305). اگرچه مقامات پاکستان همواره از فعالیت این گروه در خاک پاکستان اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند؛ اما در واقع در پشت پرده پاکستان با کارت‌بازی این گروه‌ها با ایران بر سر منافع منطقه‌ای از جمله خط لوله گاز بازی می‌کرد.

جمهوری اسلامی ایران همچنان نگران احتمال گسترش خشونت‌ها است که ریشه آن را باید در میان بنیادگرایان سنی و جدایی‌طلبان بلوچ جست‌وجو کند. مناطق بلوچ‌نشین در ایران و پاکستان از جمله توسعه‌نیافته و محروم‌ترین مناطق هر دو کشور هستند و خشونت در این مناطق، با گسترش منازعات در دو سوی مرز و نیز جریان غیرقانونی مواد مخدر، اسلحه و مهاجران بغرنج‌تر می‌شود. استان سیستان و بلوچستان ایران به طور اخص شاهد ناآرامی‌های فزاینده گروه تروریستی متعصب ضدشیعه موسوم به جندالله بوده که اعتقاد بر این است تا اندازه‌ای تحت حمایت پاکستان عملیات می‌کنند و مسئولیت برخی حملات سنگین به اهداف نظامی ایران نیز بر عهده آنهاست. رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد علناً «برخی مقامات پاکستان» را به دخالت در حملات تروریستی متهم کرد و خواستار استرداد فوری رهبران اصلی گروهک جندالله شد. مقامات پاکستانی نیز هر گونه دخالت در حملات را تکذیب کردند (پنت، 2009: 48). ایران نیز در مقابل برای مدت کوتاهی مرز خود با پاکستان را در دسامبر 2009، بست؛ اما در مارس 2010، با تعهد

اسلام‌آباد مبنی بر اتخاذ تدابیر مقتضی برای بهبود امنیت در این منطقه، دوباره آن را باز کرد. دولتمردان پاکستان و ایران به این نتیجه رسیده‌اند که دیدگاه متفاوتی در قبال آینده افغانستان دارند. تهران که هنوز از رشد بنیادگرایی سنی در اطراف مرزهای خود در هراس است، تلاش‌های بسیاری را در جهت احیای محور حمایت ایران و هند و روسیه از نیروهای ائتلاف شمال تاجیک و ازبک در افغانستان و در راستای مقابله با نفوذ پاکستان بر پشتون‌های سنی به کار بسته است. ایران به طور اخص با هند که دشمن دیرینه اسلام‌آباد است برای احداث مسیرهای تجاری و ترانزیتی جایگزین همکاری نموده است تا بدین ترتیب وابستگی افغانستان را به پاکستان کاهش دهد. این مسئله، از جمله عوامل محرک در روابط ایران و پاکستان بوده است (www.asnoor.ir، مهر 1390).

همچنین، با شروع تحولات دنیای عرب و ناآرامی سیاسی در منطقه خلیج فارس، تنش بین دو کشور به‌ویژه دربارهٔ بحرین افزایش یافته است. پاکستان نقش کلیدی در نهادهای امنیتی بحرین ایفا می‌کند، حدود 40000 نیروی نظامی به سرویس‌های امنیتی بحرین کمک کرده‌اند. این مسئله، تنش بین اسلام‌آباد و تهران را افزایش داده که هم‌بستگی خود را با معترضان شیعه بحرین اعلام کرده است. تهران ظاهراً از این مسئله ابراز نگرانی کرده که پاکستان روند جذب بیش از هزار سرباز از جمله افسران بازنشسته ارتش را برای اعزام به بحرین آغاز کرده است (Mashal, aljazeera.com, 30 jul 2011).

با وجود متغیر فرقه‌گرایی و مسئله شیعه و سنی، مسئله قومیت و بلوچستان بین دو کشور به عنوان متغیری ژئواستراتژیک باقی مانده است. نواحی بلوچ‌نشین دو کشور به علت ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، زمینه‌های بحران‌زایی و ناامنی زیادی دارند. چنین شاخصه‌هایی در شکل‌گیری مناسبات فضایی و امنیت محور ایران و پاکستان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. رویکرد تحلیلی مدیریت هر دو کشور به رخدادهای استان‌های بلوچ‌نشین دو کشور ماهیتی امنیتی نظامی داشته است. اقداماتی همچون ساخت پاسگاه‌های متعدد بازرسی، ساخت موانع، افزایش نیروهای مرزبانی، تجهیز خودروها، ایجاد پایگاه‌های نظامی و غیره، از جمله اقدامات دو طرف برای مسئله بلوچستان بوده است (کاویانی، 204: 1390). برای حل مسئله بلوچستان

بدون شک همکاری ایران و پاکستان، راهگشایتر خواهد بود، به نظر می‌رسد رادیکالیسم بلوچ بیش از آنکه منشأ اجتماعی فرهنگی داشته باشد، بنیان اقتصادی و معیشتی دارد. صرف محرومیت به مفهوم مطلق آن چندان مشکل نیست، بلکه مشکل از آنجا نشئت می‌گیرد که محرومیت بلوچ‌ها با رفاه گروه‌های دیگری که ارتباط نزدیکی با دولت دارند همراه است و خود بلوچ‌ها نیز از این تبعیض آشکارا آگاهی دارند. لازم است دو دولت ایران و پاکستان در جهت تأمین نیازها و جلب رضایت بلوچ‌ها گام‌های اساسی بردارند. به نظر می‌رسد جلب مشارکت و همکاری آنها برای پیشبرد طرح خط لوله که قرار است از بلوچستان ایران و پاکستان بگذرد بسیار کارگشا خواهد بود (فنیبرلو، 247: 1390). کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان نیز تا اندازه زیادی با برقراری امنیت و ثبات در دو کشور همسایه شرقی ارتباط دارد. به همین دلیل، دو کشور با تغییر نگرش امنیتی و نظامی خود در برخورد با گروه‌های واگرا، مشارکت فزاینده بلوچ‌ها در امور مختلف در دو کشور و تبیین منافع استراتژیک ایران و پاکستان در استان‌های بلوچ‌نشین، کاهش تنش میان امریکا و ایران و همکاری مرزی بیشتر با پاکستان باعث افزایش ضریب امنیت ژئواستراتژیک در مرزهای بلوچ‌نشین دو طرف خواهد شد.

3-3-3. مسئله هسته‌ای در روابط ایران و پاکستان

با وجود فرازونشیب‌هایی که در روابط ایران و پاکستان وجود دارد، از دهه 1990 این بحث شکل گرفت که پاکستان از کشورهای مهم در پروژه هسته‌ای ایران است. دوره قبل از انقلاب، شاه ایران سعی کرد به هسته‌ای شدن پاکستان در مقابل هند کمک کند (www.kahopakistan.com). در اوایل دهه 1990، به‌ویژه سال‌های 1991 و 1992 که دکتر عبدالقدیرخان پدر بمب هسته‌ای پاکستان به ایران سفر کرد، همکاری هسته‌ای ایران و پاکستان جلوه بارزتری به خود گرفت. به موازات سفر عبدالقدیرخان، ژنرال اسلم بیگ رئیس وقت ارتش پاکستان در سال 1990، به ایران سفر کرد و راهکارهای جدیدی از همکاری هسته‌ای بین ایران و پاکستان را بنا نهاد (منتظران و ممتاز، 2004). مسئله هسته‌ای ایران از رقابت دیرین نخبگان داخلی در پاکستان بر کنار نبوده است. نخبگان متمایل به امریکا و غرب تمایلی ندارند که

ایران به توانایی هسته‌ای پیشرفته دست یابد و گاه آن را از زاویه رقابت میان شیعیان و سنی‌ها تحلیل می‌کنند. در نقطه مقابل نخبگانی وجود دارند که به شدت از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند. معاون وزیر خارجه پاکستان احمدخان در گفت‌وگو با هفته‌نامه تایمز ضمن رد همکاری پاکستان در انتقال فناوری هسته‌ای ایران می‌گوید: اسلام‌آباد از اینکه تهران به توان انرژی هسته‌ای دست یابد خوش حال است. ایران پیمان منع اشاعه (NPT) را امضا کرده و پاکستان مشکلی با برنامه هسته‌ای ایران ندارد (قهرمان‌پور، 1390: 117-116). در جلسه فوریه 2010، با همتای ایرانی، فهمیده میرزا رئیس مجلس نمایندگان پاکستان گفت که «اسلام‌آباد با هر گونه اعمال تحریم علیه ایران مخالف بوده و بر این باور است که مناقشات هسته‌ای ایران باید به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره حل و فصل شود (news.kodoom.com, 6 February 2010).

عبدالقدیرخان دانشمند هسته‌ای پاکستان نیز پس از رفع حبس خانگی با حکم دادگاه عالی لاهور در مصاحبه نادر تلویزیونی ضمن تقدیر از برنامه هسته‌ای ایران گفت: اگر ایران بتواند به فناوری هسته‌ای دست یابد، می‌توانیم در منطقه بلوک قدرتمندی در مقابل فشارهای بین‌المللی تشکیل دهیم. توان هسته‌ای ایران قدرت اسرائیل را خنثی خواهد کرد. علاقه‌مندی این طیف به ایران به این تفکر برمی‌گردد که پاکستان برای ایجاد موازنه با هند باید جبهه یا بلوک اسلامی متشکل از دولت‌های اسلامی از جمله ایران و عربستان را تشکیل دهد. دیدگاهی که البته در ایران حامیان چندانی ندارد و آرمانی و گاه افراطی تعبیر می‌شود. با پذیرش اینکه بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی پاکستان به‌ویژه در مسائل مرتبط با امنیت ملی و تمامیت ارضی متأثر از نوع رابطه با هند است، برنامه هسته‌ای ایران را هم نمی‌توان از این قاعده مستثنی دانست. ایران نیز متقابلاً چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، به‌نوعی از سیاست هسته‌ای پاکستان دفاع کرده است (قهرمان‌پور، 118: 1390). در این باره، می‌توان به همراهی سید محمد خاتمی در زمان ریاست جمهوری‌اش با نوازشریف نخست‌وزیر پاکستان درباره آزمایش هسته‌ای هند اشاره کرد. خاتمی درباره آزمایش هسته‌ای هند گفته بود که: ما درباره آزمایش هسته‌ای هند نگران هستیم. همچنین، وی اشاره کرده بود که امنیت پاکستان به عنوان کشور

دوست و برادر برای امنیت ایران اهمیت دارد. با وجود رقابت استراتژیک و وضعیت تعادلی ژئواستراتژیکی که در فضای چهارچوب تحلیل محیط استراتژیک بین ایران و پاکستان وجود دارد، متعاقب آزمایش هسته‌ای هند که ایران درباره آن ابراز نگرانی کرده بود، آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان در 28 تا 30 می 1998، مورد ستایش و تشویق ایران قرار گرفت. کمال خرازی وزیر امور خارجه وقت دولت سید محمد خاتمی نیز اولین شخصیت سیاسی و مقام مهمی بود که به اسلام‌آباد سفر کرد و دستاوردهای هسته‌ای پاکستان را به مردم آن کشور و مسئولان تیریک گفت (آلام، 2004: 534). همچنین مسئله هسته‌ای ایران از موارد اختلاف بین آمریکا و پاکستان است. از سال 2003، آمریکا پاکستان را به انتقال فناوری هسته‌ای به ایران متهم کرده و خواستار محدود کردن و مقابله با همکاری برخی مقامات نظامی پاکستانی با ایران شده است. سفر سابق آمریکا در پاکستان، رابرت اوکلی¹ ادعا می‌کند که ژنرال اسلیم‌بیگ، رئیس ستاد کل ارتش پاکستان با برخی مقامات ایران درباره انتقال فناوری هسته‌ای در دهه 1990، ملاقات و گفت‌وگو کرده است (Ibid: 541). مجموع این موارد نشان می‌دهد آمریکا برای همراه کردن پاکستان با سیاست‌های خود در قبال برنامه هسته‌ای ایران در صدد است حمایت لایه‌هایی از نخبگان نظامی سیاسی پاکستان را برای طرح اتهاماتی علیه ایران به منظور اثبات تخطی آن از تعهدات خود در چهارچوب (NPT) جلب کند. امری که می‌تواند به پیشبرد سیاست‌های هسته‌ای آمریکا کمک کند. تا سال 2005 که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال بازسازی سابقه و ابعاد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بود، اسم پاکستان پیوسته به عنوان منبع اصلی تأمین فناوری هسته‌ای ایران ذکر گفته می‌شد؛ اما در پی گزارش‌های پادمانی آژانس و تأکید آنها بر بومی بودن بخش عمده فناوری غنی‌سازی ایران، این فضا اندکی تعدیل شد. اکنون معلوم شده بود دانشمندان ایرانی در دستیابی به فناوری چرخه سوخت نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. در نتیجه از شدت تبلیغات گذشته غربی‌ها درباره همکاری پاکستان با ایران کاسته شد. با توجه به روابط استراتژیک و ژئواستراتژیک امنیتی و سیاسی پاکستان و ایران، هم هند و هم پاکستان تمام شدن بحث درباره ابعاد مختلف پرونده هسته‌ای ایران را چندان مفید

1. Rabert Oakley

نمی‌دانند و تلویحاً خواستار تداوم تمرکز بر پرونده هسته‌ای ایران از سوی قدرت‌های بزرگ هستند. ضمن اینکه خود نیز از درگیر شدن مستقیم در آن خودداری می‌کنند. طرح پرونده هسته‌ای ایران از سال 2003 تاکنون و بازتاب‌های رسانه‌ای آن منافع غیرمستقیمی برای پاکستان داشته است، منافعی که این کشور نمی‌خواهد آن را از دست بدهد. حمایت پاکستان از برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان از این زوایه تحلیل کرد؛ زیرا در صورت حل و فصل شدن مسئله هسته‌ای ایران، موضوع یا دستور کار بعدی سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با منع اشاعه و خلع سلاح، پاکستان، هند و اسرائیل خواهد بود. چیزی که خوشایند پاکستان نیست (فهرمان‌پور، 1390: 132-128). به همین دلیل، در ژئواستراتژیک منطقه‌ای و برای حفظ امنیت خویش، از برنامه هسته‌ای ایران یا به طور آشکار و یا ضمنی حمایت می‌کند.

4. ایران و پاکستان: ژئواستراتژیک اقتصادی (ژئواکونومیک)

مهم‌ترین مسئله اقتصادی بین ایران و پاکستان میزان کم روابط اقتصادی دو طرف است. بین سال‌های 2001 تا 2002 حجم مبادلات اقتصادی دو طرف از 394 میلیون دلار به 166 میلیون دلار کاهش یافته است. تجارت بین دو کشور تا سال 2005، به‌ندرت به بیش از نیم‌میلیارد دلار می‌رسید. گزارش منتشرشده کمیسیون مشترک اقتصادی بین ایران و پاکستان نشان‌دهنده این است که موانع غیرضروری در تجارت، حجم مبادلات دو طرف را کاهش داده است. ایران در سال 2002، واردات گندم پاکستان را به دلیل کیفیت کم متوقف کرد. عمده واردات پاکستان از ایران در بخش انرژی است. همچنین، پاکستان برق ایران را از استان سیستان و بلوچستان وارد می‌کند (افراسیابی، 2006). روابط اقتصادی میان ایران و پاکستان از طریق کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان (JEC)¹ اداره می‌شود که در سال 1986 تأسیس شد. این برنامه، چهارچوبی نهادی مفید را در شناسای مناطق اقتصادی دو طرف و ایجاد همکاری‌های اقتصادی و تجاری در نظر گرفته است (ای‌بوی، 2009). پاکستان و ایران از سال 2004 روابط تجاری روبه‌رشدی، به‌ویژه در حوزه انرژی

1. Joint Economic Commission

دارند. همکاری دو کشور در حوزه انرژی از دهه 1990 به بعد، افزایش یافته و کمک کرده تا بنیان شبکه تجاری دوجانبه بین ایران و پاکستان شکل بگیرد. پاکستان در سال 2010، صادرات غیرنفتی خود را به ایران تا 80 درصد افزایش داد و به 545 میلیون دلار رساند. صادرات غیرنفتی ایران به پاکستان نیز 11 درصد افزایش یافت و جمعاً به 381 میلیون دلار در سال رسید (اتاق بازرگانی و صنایع اقتصادی تهران، www.tccim.ir)

ایران و پاکستان در مه 2009 قرارداد، خریدی را منعقد ساختند که بر مبنای آن جمهوری اسلامی ایران متعهد شد تا در آغاز، روزانه 30 میلیون مترمکعب گاز به پاکستان انتقال دهد که حجم این انتقال در نهایت، باید به 60 میلیون مترمکعب در روز برسد. این معامله با اعتراض «ریچارد هالبروک»¹ نماینده ویژه آمریکا در امور پاکستان و افغانستان روبه‌رو شد که هشدار داد اگرچه «آمریکا می‌داند پاکستان با بحران‌های عظیم انرژی دست به گریبان است؛ اما تحریم‌های جدید علیه ایران می‌تواند بر پاکستان نیز تأثیر گذارد». ایران در سال 2011، همچنین پیشنهاد فروش برق یارانه‌ای 1100 مگاواتی به پاکستان را مطرح کرده است و گزارش داد که 1000 کیلومتر از 1100 کیلومتر خط لوله ایران به پاکستان و هند در خاک ایران، تا به امروز تکمیل شده است. همچنین عضویت در سازمان اکو و همکاری در تأسیس آن از اقدامات مشترک ایران و پاکستان است. تأسیس راه‌آهن پاکستان، ایران، ترکیه از اقدامات مهم در اکو است که می‌تواند همکاری‌های اقتصادی بین دو طرف را بهبود ببخشد. با تمام این اوصاف هنوز سطح روابط اقتصادی ایران و پاکستان به دلیل نبود شناخت ظرفیت‌ها و منابع دو طرف هنوز اندک است. نبود درک صحیح از ظرفیت‌ها و فعالیت‌ها بین تجار ایرانی و پاکستانی و نگاه منفی آنها به یکدیگر از موانع موجود در بخش خصوصی است. محدودیت‌هایی که بانک‌های پاکستانی برای گشایش اعتبار تاجران ایرانی ایجاد کرده‌اند، نیز از دیگر موانعی است که امکان رشد ایدئال روابط تجاری را از بین می‌برد. همچنین، ناامنی مرزی نیز از دلایلی است که روابط اقتصادی بین دو طرف را با مشکل روبه‌ره می‌کند (منتظران و ممتاز، 2004). مهم‌ترین محور اقتصادی بین ایران و پاکستان خط لوله صلح است که

1. Richard Holbrooke

بحث‌های مقدماتی آن از سال‌ها پیش آغاز شده و با فرازونشیب‌های فراوان ادامه یافته است و اکنون نیز دو طرف به طور جدی در پی نهایی کردن آن هستند. مشکلات حقوقی، فنی و سیاسی بین کشورهای امضاکننده این قرارداد و اختلاف درباره مسائلی چون حق ترانزیت و... از همه مهم‌تر، تأثیرگذاری کشورهای فرامنطقه‌ای بر تصمیم‌گیری دو کشور هند و پاکستان باعث شده است عملی شدن این طرح تاکنون به تعویق افتد (فرزین‌نیا، 1387:400) خبر کنارکشیدن و انصراف هند از مذاکرات خط لوله صلح در حالی انجام شد که بعد از مدتی، مقامات هندی خبر کنارکشیدن خود را تکذیب کردند. به نظر می‌رسد کناره‌گیری و انصراف هند از ادامه مذاکرات به بهانه حل و فصل اختلاف‌نظرهای موجود میان هند و پاکستان، دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل ممکن است این باشد که با این ظاهرسازی هندی‌ها امتیازات بیشتری را از ایران طلب می‌کنند.

به‌طور کلی سه مشکل عمده سیاسی بر سر راه پروژه خط لوله صلح وجود دارد که عبارتند از: 1. بی‌ثباتی‌های سیاسی در بلوچستان و پاکستان و نگرانی پاکستان از عبور خط لوله از این منطقه؛ 2. منازعات هند و پاکستان و ترس از اینکه پاکستان از این خط لوله استفاده ابزاری بکند؛ 3. مخالفت‌ها و کارشکنی‌های امریکا در اجرای این پروژه. در واقع خط لوله (IPI)¹ تهدیدی علیه تلاش‌های امریکا در جهت مهار ایران نیز به‌شمار می‌آید (قنبرلو، 1390:246).

به هر ترتیب، این خط لوله در بلندمدت آثار اقتصادی و منافع زیادی برای هر دو کشور دارد. ایران از درآمد حاصل از فروش گاز برخوردار خواهد شد و پاکستان افزون بر تأمین نیازهای ابزاری، به درآمد زیادی بابت انتقال گاز به هند دست خواهد یافت. پاکستان کشوری است که نیازهای انرژی آن به‌ویژه در بخش گاز رشد زیادی دارد. اسلام‌آباد افزون بر پروژه خط لوله (IPI) به جایگزین‌های دیگری شامل ²(Tapi) که در آن ترکمنستان منبع تأمین گاز به‌شمار می‌آید و به (QOPI) نظر دارد که از قطر به عنوان منبع اصلی تأمین گاز استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد به‌صرفه‌ترین و امکان‌پذیرترین گزینه، همان پروژه (IPI) باشد. بحران‌های اخیر در

1. Iran- Pakistan- India

2. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India

روابط پاکستان و امریکا طی کشته‌شدن بن‌لادن نیز باعث شده است تا پاکستان ضمن فاصله از امریکا، به ایران و چین نزدیک‌تر شود. ضمن اینکه مقامات پاکستانی بحث خط لوله را بعد از سردی روابط با امریکا در پی کشته‌شدن بن‌لادن، به طور جدی‌تری مطرح کرده‌اند. احداث این خط لوله در واقع می‌تواند بر روابط هند و پاکستان و خصوصاً مسئله کشمیر تأثیرگذار باشد و آنها با ملاحظات بیشتری درباره آن تصمیم بگیرند. افزون بر این، روابط پاکستان و ایران را در خصوص مسئله افغانستان تحت تأثیر قرار می‌هد؛ زیرا دو کشور رقبای منطقه‌ای در عرصه افغانستان محسوب می‌شوند. همچنین خط لوله تضادهای شیعه و سنی را در حوزه بلوچستان ایران و مناطق سنی‌نشین پاکستان تعدیل می‌کند (ملکی، 2007:2).

به‌طورکلی احداث این خط لوله، متغیر اقتصادی را در روابط ژئواستراتژیک بین ایران و پاکستان پررنگ‌تر خواهد کرد و موجب خواهد شد که دو کشور نیز به هم نزدیک شوند، ضمن اینکه احداث این خط لوله در کنار مناسبات تجاری می‌تواند عامل امنیت را در محیط ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان به عامل اقتصادی تبدیل کند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از ابزار مفهومی ژئواستراتژیک و عوامل اصلی این دانش‌واژه روابط ایران و پاکستان را در چهار حوزه فرهنگی، سرزمینی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی بررسی می‌کند. همان‌گونه که بیان شد، عامل اصلی روابط دو کشور ایران و پاکستان عامل امنیت ژئواستراتژیک است که زمینه‌ساز همکاری بیشتر دو طرف و نیاز آنها به یکدیگر است. در واقع، می‌توان گفت نیاز امنیتی دو کشور به یکدیگر به عنوان حاشیه‌های امنیتی آنها را به هم نزدیک کرده است. پاکستان با توجه به تهدید استراتژیک هند، تلاش کرده است در میان همسایگان مستقیم و غیرمستقیم خود در خاورمیانه و در غرب، شرکایی از جمله ایران پیدا کند تا آنها بتوانند با حمایت از پاکستان در مقابل هند توازن استراتژیک برقرار کنند. همان‌طور که اشاره شد، مسائل مختلفی نظیر طالبان، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، قاچاق مواد مخدر، مناقشه شیعه و سنی، روابط امریکا و پاکستان و روابط تجاری ایران با هند و اخیراً

اعزام نیرو و مشارکت پاکستان در سرکوب آزادی خواهان بحرین، سبب شده زمینه‌هایی از نبود تفاهم بین دو کشور به وجود آید که گرچه در برخی مواقع برطرف شده است، به دلیل پایداری برخی عوامل دیگر، امنیت جمهوری اسلامی ایران از جانب کشور پاکستان به چالش کشیده می‌شود و متقابلاً پاکستان نیز از برخی ابعاد از جانب ایران احساس ناامنی می‌کند. این عوامل ناامنی باعث شده است دو کشور در سیاست خارجی خود نسبت به یکدیگر برخی ملاحظات امنیتی در محیطی ژئواستراتژیک بررسی کنند. همچنین، پاکستان به طور غیرمستقیم حوزه رقابت ایران و آمریکا نیز است. نزدیکی ایران به پاکستان و همراهی با این کشور، آمریکا را در انزوای ایران ناموفق نشان داده است. دغدغه‌ها و منافع راهبردی ایران در بخش شرقی بر برقراری الویت امنیت و ثبات و صیانت از مرزها، رقابت با قدرت‌های سنی، همچون عربستان سعودی و نیز افزایش نفوذ در افغانستان پس از خروج آمریکا تمرکز دارند. عامل کلیدی که رقابت ایران و پاکستان را شکل می‌دهد احتمالاً اختلافات فزاینده بین آمریکا و پاکستان است. جمهوری اسلامی ایران با وجود تهدیدات جاری از طرف طالبان و گروه‌های تروریستی و حمایت‌شده در شرق کشور، به دلیل الویت امنیت، از کشورهایی است که نمی‌خواهد، بحران‌های مرزهای شرقی کشور به داخل خاک ایران کشیده شود. با وجود تمام این حوزه‌ها به نظر می‌رسد، در آینده همکاری‌های راهبردی بین تهران و اسلام‌آباد احتمالاً با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد. روابط نزدیک پاکستان با عربستان سعودی و سرمایه‌گذاری‌های کلان ریاض در حوزه دینی پاکستان، همچنان روابط تهران و اسلام‌آباد را پیچیده می‌سازد. همچنین، عامل آمریکا چه در گذشته و چه در آینده، با وجود اینکه حس مشترکی را بین دو کشور به لحاظ احساسات ضد امریکایی ایجاد می‌کند، می‌تواند در آینده این دو کشور تأثیرگذار باشد. وجود پتانسیل‌های برخاسته از پیوندهای مختلف و گسترده قومی فرهنگی و زبانی بین دو کشور و همچنین، الزامات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ناشی از هم‌جواری، باعث شده است دو کشور طی مقطعی (1947 و 1979) اولین کشورهایی باشند که یکدیگر را به رسمیت شناخته و با یکدیگر روابط سیاسی برقرار کرده‌اند. در طول این سال‌ها، روابط دو کشور بر اساس الگویی از همکاری و رقابت تداوم داشته و در مقاطعی نه چندان

طولانی رقابت‌های منطقه‌ای باعث ایجاد اختلاف دو کشور شده که با گذشت مدت‌زمان کوتاهی برطرف شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای گذار از عامل امنیتی در ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان و رسیدن به روابط نهادینه‌شده و پررنگ‌ترشدن عامل فرهنگی و اقتصادی، باید حوزه‌های مختلف دو کشور در زمینه‌های اقتصادی به هم نزدیک شوند. قرارداد خط لوله گازی در کنار ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقتصادی و تجاری و فرهنگی، با توجه به هم‌جواری دو کشور، می‌تواند امری تأثیرگذار در این زمینه باشد. ضمن اینکه پیوندهای تاریخی و فرهنگی روابط دو کشور می‌تواند در آینده، بسترهای مناسبی برای دوستی و نزدیکی فراهم کند؛ زیرا علاقه مردم دو کشور به یکدیگر نمایان است. به طور حتم، هر تغییری در تعاملات و عوامل ژئواستراتژیک روابط بین ایران و پاکستان بر آینده مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیری بنیادین بر جای می‌گذارد و آینده موازنه قوا در نظام بین‌الملل را نیز دگرگون خواهد کرد.

کتابنامه

آمار واردات و صادرات جمهوری اسلامی ایران، دسترسی در سایت اینترنتی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، لینک دسترسی:

<http://www.tccim.ir/ImpExpStats.aspx?slcImpExp=Import&slcCountry=&sYear=1388&mode=doit>

بورک، س. و لارنس زایرینگ (1377). تاریخ روابط خارجی پاکستان، مترجم: ایرج وفايي، تهران: کویر.

پاکستان با تحریم ایران مخالف است، دسترسی در تاریخ 6 فوریه 2010، سایت اینترنتی نیوز خودوم، لینک دسترسی:

<http://news.kodoom.com/iran-politics/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D>

پیامدهای عدم شرکت پاکستان در کنفرانس بن دوم، دسترسی در تاریخ 30 نوامبر 2011 در سایت اینترنتی بی بی سی فارسی، لینک دسترسی:

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/11/111130_111130_zs_tp_bonn_conf.shtml

ترحمی، مهدی (1388). تروریسم در پاکستان، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.

تمنا، فرامرز (1390). جایگاه افغانستان در روابط ایران با پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 111-85.

حسین پور، رضا (1385). «تحلیل و بررسی هم‌روشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوژئولیتیک و ژئواستراتژیک»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی پیروز مجتهدزاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

خسروی، غلامرضا (1390). شیعیان پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 183-139.

رستمی، محسن، «نقش جمهوری اسلامی ایران در امنیت خاورمیانه»، روزنامه سیاست روز، 28 فرودین 1389، ص 13، لینک دسترسی در سایت اینترنتی روزنامه سیاست روز:

<http://www.siasatrooz.ir/vdcg3w9t.ak9zt4prra.html>

رقابت راهبردی ایران و امریکا: رقابت در پاکستان، گزارش راهبردی، دسترسی در تاریخ 25

مهر 1390 در سایت اینترنتی موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، لینک دسترسی:

<http://www.asnoor.ir/Public/Articles/ViewArticles.aspx?Code=195938>

عبدالحی، سحر، فارسی در پاکستان؛ از سرود ملی تا شرافت فرهنگی، دسترسی در تاریخ 20 اردیبهشت 1390، در سایت اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی: لینک دسترسی:

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2011/05/110510_l23_pakistan_as_persian_lan_gel.shtml

شفیعی، نوذر و قلیچ خان، غلامرضا (1389). «تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره 42، تابستان. _____ (1387). روابط ایران و جنوب آسیا: ارائه یک چهارچوب تحلیلی، دسترسی در سایت اینترنتی نوذر شفیعی، لینک دسترسی:

<http://dr-shafie.ir/post-2.aspx>

عزتی، عزت‌الله، (1379). ژئواستراتژی، تهران: سمت.

فرزین‌نیا، زیبا (1382). «آسیای جنوب غربی: نظام جدید استراتژیکی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 67، پاییز، صص 708-691.

_____ «ایران و آسیا در دولت نهم: فراز و نشیب‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال 22، شماره 2، تابستان 1387.

قدسی، امیر (1384). «ایران و پاکستان، توسعه همگرایی راهبردی»، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، شماره 14، مرداد، صص 34-29.

قنبرلو، عبدالله (1390). اقتصاد سیاسی پروژه انتقال گاز طبیعی به پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 215-255.

قنديل، عباس (1375). «عوامل و موانع همکاری در روابط میان ایران و پاکستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، به راهنمایی داریوش اخوان کاظمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

قهرمان‌پور، رحمان (1390). تأثیر مسئله هسته‌ای ایران بر روابط ایران و پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 111-137.

کاوایانی، مراد (1389). ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

_____ (1390). کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 183-215.

کریمی‌پور، یدالله (1379). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگانش (منابع تنش و تهدید). تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران.

- لاکوست، ایو و بناتریس ژیلبن (1378). عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، مترجم: علی فراستی، تهران: آمن.
- مینایی، مهدی، (1386). مقدمه‌ای بر ژئواستراتژی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- واعظی، محمود (1386). چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره بیست‌وسوم، صفحات 34-38.
- واعظی، طیبه (1390). روابط ایران و پاکستان، روندها و تحولات، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص 17-43.
- Afrasiabi, Kaveh, (Jan 13, 2006) *The Iran-Pakistan Nexus*, Linked available at: <http://www.atimes.com/a/times/South Asia/HA13Df03.html>
- Alam, Shah,(2004) *Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions*, Strategic Analysis journal, Vol. 28, No. 4,pp:526-547.
- Ali Khan, Zahid and Shabir Ahmad,(2008) *Pakistan and Iran in Afghanistan: From Soviet Intervention to the Fall of Taliban*, Central Asia Journal No. 64,pp:28-42. Linked available at: http://www.asc-centralasia.edu.pk/Issue_64/02_Pakistan_and_Iran_in_Afghanistan.html
- Askari Rizvi, Hassan,(2004) *Pakistan's Foreign Policy: An Overview 1947-2004*,Pakistan Institute of Legislative Development And Transparency- Pildat, pp:1-29
- Eboy, Wajith,(22 november2009) *Pakistan's Basic Policy toward Islamic Republic of Iran*, linked available at: <http://www.studentsheart.com/current-affairs-notes/pakistans-basic-policy-toward-islamic-republic-of-iran/?action=printpage>
- Karabulut, Bilal,(2005) *Strategy, Geo-Strategy, geopolitics*, Platin yayinlary, Ankara
- Maleki, Abbas, (September 2007) "*Iran-Pakistan-India Pipeline: Is It a Peace Pipeline?*" Magazine or Newspaper Article, MIT Center for International Studies Audit of the Conventional Wisdom, volume 7, issue 16,pp:1- 4
- Mashal, Mujib(30 jul 2011) Pakistani Troops aid Bahrain's Crackdown, linked available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/07/2011725145048574888.html>
- Montazeran, Ahmed and Kashif Mumtaz. "*Iran-Pakistan Cooperation for Regional Stability and Peace.*" Strategic Studies, Vol.XXIV, No.1, Spring-2004.
- Mushahid, Hussain, "*Pakistan-Iran Relations in the Changing World Scenario: Challenges and Response,*" in Tarik Jain, et al, eds., Foreign Policy Debate: The Years Ahead (Islamabad: Institute of Policy Studies, 1993), pp. 215-9.

Pant ,Harsh V. *Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship*, Middle East Quarterly, Spring 2009 ,Volume xvi ,Number 2, pp. 43-50.

Paul, T.V,(2005) *The India–Pakistan Conflict An Enduring Rivalry*, Cambridge University Press

Relations between Pakistan and Iran, Iran Financially Nuclear Aid to Pakistan,(2009) linked available at: <http://www.kahopakistan.com/showthread.php?19096-Relations-between-Pakistan-and-Iran>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی